

نگرشی قرآنی به عملکرد اخلاقی اولین مخاطب قرآن کریم

دکتر سید الوهاب طالقانی

* چکیده:

توجه تام رسول الله (ص) به قرآن کریم بعنوان اولین مخاطب قرآن، سیره و شخصیت آن حضرت را شایسته تأسی کرده است. «لقد کان لکم فی رسول الله أسوة حسنة» (احزاب/۲۱) هر سیره‌ای به هر میزان و با هر مرتبه از مراتب قرآن هماهنگی کند به همان اندازه قرآنی است و چون رسول خدا (ص) سیرماش را بر حقایق قرآنی تنظیم کرده است، سیره آن حضرت کاملترین سیره‌هاست، از این رو درباره رسول اکرم (ص) آمده است:

کان خُلِقَ القرآن (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۶ ص ۳۴۰) از این رو نگرشی قرآنی به عملکرد اخلاقی رسول الله (ص) داشته و عملکرد اخلاقی و تربیتی ایشان را برای تحول آفرینی و هدایت بخشی در جامعه جهانی بشری براساس آیات قرآن بررسی نموده‌ام از جمله اصول مطرح در عملکرد اخلاقی و تربیتی رسول الله (ص) می‌توان به حفظ کرامت انسانی، حفظ حرمت انسانی، تحکیم روابط اجتماعی، ترغیب به فضائل انسانی و نهی از رذائل اخلاقی، حمایت از مستضعفان صالح، ایجاد روحیه تلاش برای کسب فلاح و سعادت و پاکسازی محیط از افکار و رسوم جاهلی و احیاء و تکمیل مکرمت‌ها و فضائل اخلاقی اشاره نمود که در این مقاله از مبادی و مقدمات موضوع صرفنظر نموده و به ارائه عملکرد اخلاقی رسول الله (ص) پرداخته‌ایم.

اصل اول: حفظ کرامت انسانی:

رسول الله (ص) براساس آیات قرآن از سه طریق به حفظ کرامت انسانی انسان‌ها پرداخته‌اند

۱- از طریق علم:

(الف) ... هَلْ یَسْتَوِی الذِّینَ یَعْلَمُونَ وَ الذِّینَ لَا یَعْلَمُونَ (زمر/۹)

(ب) ... یرفع الله الذِّینَ آمنوا مِنکُمْ وَ الذِّینَ أوتوا العِلْمَ درجاتٍ (مجادله/۵۸)

۲- از طریق مجاهده:

- لَا یَسْتَوِی الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ غَیْرَ أُولِی الضَّرِّرِ وَ الْمُجَاهِدُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِینَ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِینَ دَرَجَةً وَ کَلَّا وَعَدَ اللَّهُ الْحَسَنَی وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِینَ عَلَى الْقَاعِدِینَ أَجْرًا عَظِیمًا (نساء/۶۴)

مومنان بازنشسته (از جهاد) که هیچ عذر و معلولیتی ندارند با کسانی که با مال و جان خویش در راه خدا

جهاد می کنند برابر نیستند ، خداوند مجاهدان با مال و جان خویش را بر بازنشتگان به درجه ای (بس بلند) برتری داده است و همه را خداوند وعده پاداش نیکو داده و خداوند مجاهدان را بر بازنشتگان به پاداشی بزرگ برتری داده است.
 ۳- از طریق تقوی : ... إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْقَاكُمْ (حجرات ۱۲/۴۹)

اصل دوم : حفظ حرمت خود از طریق معرفت النفس

رسول الله (ص) با دعوت افراد به مراقبه، تهذیب نفس و شناخت خویش و آیات الهی موجود در وجود انسان زمینه را برای حفظ حرمت و عظمت انسان و پرهیز از بیهوده‌انگاری و بی‌هدفی فراهم آورده است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسِكُمْ لَا تَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فِيمَنْ تُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (ماده ۱۰۵/۵)

ای کسانی که ایمان آورده اید خود را بیپایید ؛ هرگاه خود راه یافته باشید (گمراهی) کسی که گمراه شده به شما زبانی نخواهد رساند ؛ بازگشت همه شما بسوی خداست پس شما را از آنچه می کردید آگاه خواهد ساخت.

اصل سوم : تحکیم روابط اجتماعی با برقراری :

الف) قسط و عدالت :

۱- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ تَعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (نساء ۱۲۵/۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید ، برپادارندگان عدالت و گواهی دهندگان برای خدا باشید گرچه به زیان خودتان یا پدر و مادر و خویشان تمام شود ، که اگر آنکس توانگر یا تهیدست باشد خدا به هر دو سزاوارتر است (و مصلحت آنان را بهتر می داند) ، پس در بی خواهش دل نروید تا از حق و عدالت دست بکشید و اگر سخن را بتابانید یا رویگردان شوید (اگر شهادت ناحق دهید یا اصلاً شهادت ندهید) خدا به آنچه می کنید آگاه است.

۲- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (ماده ۸/۵)

ای کسانی که ایمان آورده اید ، به پاخیزندگان برای (ادای حقوق) خدا و گواهان به عدالت باشید و دشمنی با قومی ، شما را بر آن ندارد که عدالت نورزید. عدالت ورزید که به تقوا نزدیک تر است و از خدا پروا کنید که خدا به آنچه می کنید آگاه است.

۳- لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید ۲۵/۵۷)

همانا فرستادگان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و میزان (قوانین حق و عدل) فرو فرستادیم تا مردم به دادگری برخیزند.

ب) الفت و وحدت و ترک دشمنی و مخاصمه :

۱- وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ

فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ وَ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (آل عمران ۱۰۳/۳)

و همگی به ریسمان خدا چنگ زدید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمن یکدیگر بودید پس میان دل‌های شما الفت نهاد و به نعمت او با هم برادر شدید و بر لب پرتگاهی از آتش بودید پس شما را از آن رهایی داد ؛ خدا این چنین آیات خود را برای شما روشن می سازد ، باشد که هدایت یابید.

۲- وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذَهَبَ رِيحُكُمْ وَ أَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (انفال ۴۶/۸)

و از خدا و پیامبرش فرمان برید ، و با یکدیگر نزاع و اختلاف نکنید ، که سست و بد دل می شوید و قدرت و شوکتان از میان می رود و شکیبائی ورزید ؛ زیرا خدا با شکیبایان است.

ج) معاونت بر نیکی و پرهیزگاری :

... تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ (ماده ۲/۵)

د) اصلاح ذات البین و عفو و اغماض و رفتار نیکو :

۱- إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ (حجرات ۱۰/۳۹)

۲- ... فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ (انفال ۱/۸)

۳- ... وَ لِعِفْوٍ وَ لِيَصْفَحُوا أَلَّا تَحِبُّوا أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ (نور ۲۲/۲۴)

۴- ... وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ (آل عمران ۱۳۲/۳)

۵- خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ (اعراف ۱۹۹/۷)

۶- وَ لَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيدٌ * وَ مَا يَلْقَئُهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ مَا يَلْقَئُهَا إِلَّا دُوحًا عَظِيمًا (مصلح ۳۵/۳۳/۴۱)

اصل چهارم : ترغیب به فضائل اخلاقی و اجتناب از رذائل :

الف) ... إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَ الْأَلْبَابِ : تنها خردمندان تذکر می یابند

۱- الَّذِينَ يُوَفُّونَ عَهْدَ اللَّهِ : همان کسانی که به عهد خدا وفا می کنند

۲- وَ لَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ : و پیمان نمی شکنند

۳- وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يَوْصَلَ : و آنان که با آنچه خداوند به پیوند با آن فرمان داده ؛ می پیوندند

۴- وَ يَحْسُونَ رِبْهِمَ : و پروردگارشان بیم دارند

۵- وَ يَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ : و از سختی حساب می ترسند

۶- وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ : و آنان که برای جلب خشنودی پروردگارشان صبر کردند

۷- وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ : و نماز را به پا داشتند

۸- وَ أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً : و از آنچه روزی آنها کردیم ؛ نهان و آشکارا انفاق نمودند

۹- وَ يَدْرُؤُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ : و بدی را با نیکی دور می سازند

أُولَئِكَ لَهُمْ عَقَبَى الدَّارِ : آنانند که سرانجام (نیک) آن سرای ؛ از آن آنهاست (رعد ۲۲/۶۱/۱۳)

(ب) و عباد الرحمن : و بندگان خدای رحمان :

۱- الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا : آنانند که با فروتنی (آرام و طبیعی) روی زمین راه می روند
۲- و إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا : و چون جاهلان آنان را مخاطب سازند سخنی ملایم گویند
۳- وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ الْوَجْدَ وَالْجَنَّةَ وَالْجَنَّةَ وَالْجَنَّةَ وَالْجَنَّةَ : و آنان که شب را در حال سجده و قیام برای پروردگارشان بسر

برند

۴- وَالَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا : و آنان که گویند : پروردگارا ! عذاب دوزخ را از ما بگردان

۵- وَالَّذِينَ إِذَا أَنفَقُوا : و آنان که چون خرج و انفاق کنند :

۶- لَمْ يَسْرَفُوا وَ لَمْ يَكُنُوا كَالَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ مَهْمًا : نه زیاده روی کنند و نه تنگ و سخت گیرند و انفاق آنها حد معتدلی میان این دو باشد

۷- وَالَّذِينَ يَدْعُونَ بِعِلَّةٍ الْيَتَامَىٰ : و آنان که با خداوند خدای دیگری نخوانند

۸- و لَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ بِالْإِنْسَانِ : و کسی را که خداوند جانش را محترم شمرده (ریختن خون او را حرام کرده) جز به حق نکشند

۹- و لَا يَزْنُونَ ... و زنا نکنند (فرقان ۲۵/۶۸ تا ۲۸/۶۸)

(ج) ان الله يامر بالعدل و الإحسان و العبادي ذي القربى

خداوند به عدالت و نیکوکاری و بخشش به خویشاوند فرمان می دهد

و ينهى عن الفحشاء و المنكر و البغى

و از کارهای زشت و ناپسند و ستمگری باز می دارد

يُحْضِرُكُمْ لِعَلَّكُمْ تَتَذَكَّرُونَ : (نمل ۱۶/۹۰)

شما را پند می دهد شاید تذکر یابید

اصل پنجم : حمایت از مستضعفان صالح :

(الف) و تَرِيدُ أَنْ نَمُنَ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَاهُمْ آئِمَّةً وَ جَعَلْنَاهُمُ الْآرِثِينَ (قصص ۲۸/۵)

(ب) و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون (انبيا ۲۱/۱۰۵)

- و تحقیقاً پس از پندنامه تورات ؛ در زبور هم نوشتیم که (ملک) زمین را بندگان شایسته من به ارث خواهند برد

(ج) و مَا لَكُمْ لَا تَقَارِبُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الْعَدْلَاءُ عَلَيْنَا وَ جَعَلْنَا مِنْ لَدُنْكَ عَلَمًا وَ جَعَلْنَا مِنْ لَدُنْكَ نُصِيرًا (نساء ۷۵/۲۵)

- و شما را چیست که در راه خدا و (آزادسازی) مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی جنگید؟ آنان که گویند : پروردگارا! ما را از این شهری که مردمش ستمکارند (شهر مکه) بیرون بر و از سوی خود برای ما سرپرستی قرار ده و از سوی خود برای ما یآوری بگمار.

حمایت از ایتام و حقوق آنها و تلاش در رفاه و تعلیم و تربیت آنها :

(الف) وَ آتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَ لَا تَبَدَّلُوا الْخَيْبَ بِالطَّيِّبِ وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا (نساء ۲/۲)

و اموال یتیمان را به آنان باز دهید (در کودکی به دادن مخارج آنان و در بلوغ به دادن اصل مال) و پلید را با پاکیزه عوض نکنید و اموال آنان را با اموال خود مخورید که آن گناهی بزرگ است.

(ب) إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا (نساء ۱۰/۴)

بی گمان آنان که مال های یتیمان را به ستم می خورند جز این نیست که شکمی پر از آتش می خورند و به زودی به آتشی افروخته درخواهند آمد.

(ج) وَ لَا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا

وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا

وَأَكْسُوهُمْ

وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (نساء ۵/۴)

و اموالتان را که خداوند سبب قوام (زندگانی) شما قرار داده به کم خردان مدهید و از درآمد آن ، خوراک و پوشاکشان دهید و با آنان به گونه ای شایسته سخن گوید

در این آیه ، اولاً مال را مایه قوام و ثبات جامعه معرفی نموده واز یتیمان بخاطر عدم بلوغ و رشد آنها ، (سفیهان - سفهاء) یاد شده است و به منظور حفظ اموال و دارائی آنها ، دستور آمده مالشان را در اختیار آنها قرار ندهید اما با مال آنها تجارت کنید و از منافع مال ، سه مسأله اساسی و حیاتی یتیمان را بنحو احسن تأمین نمائید.

۱- و آرزقوهم فیها (زندگی روزمره آنها از منافع مال ، تأمین شود و اصل مال باید محفوظ بماند)

نکته : اگر فرموده بود و آرزقوهم منها ، مراد اصل مال بود ، اما فرموده است (فیها)

۲- و اکسوهم (پوشاک آنها را تأمین کنید)

۳- و قولوا لهم قولاً معروفاً (تعلیم و تربیت و رشد اخلاقی آنها را برعهده بگیرید.

توجه به این نکته بسیار حائز اهمیت است : تا زمانی سرپرستان حق دارند اموال یتیمان را در اختیار خود قرار دهند که به حد رشد نرسیده اند اما به محض آنکه در آزمایش ، رشد عقلانی آنها ثابت گردید باید اموال آنها را به آنها برگردانند.

- وابتلوا الیتامی حتی اذا بلغوا النکاح فان آنستم منهم رشداً فادفعوا الیهم أموالهم

و در پایان آیه ، چهار مسأله بسیار حساس و مبتلی به جامعه را صریحاً یادآور می شود :

۱- سرپرستان ایتام ، مادامی که اموال آنها را در اختیار دارند ، حفظ اصل مال آنها ، بر آنان مهم و واجب است و از هزینه کردن اموال آنها و استفاده غیرمجاز به بهانه های مختلف ، باید سخت بپرهیزند - و لا تأکلوها اسرافاً و بداراً ان یکبروا

قبل از بزرگ شدن یتیمان ، مال آنها را به اسراف و زیاده روی مخورید.

۲- سرپرست اگر غنی و بی نیاز باشد ، نباید چشم داشت به مال یتیم داشته باشد و با بزرگواری و عفاف ، از مال یتیم چشم به پوشد و چیزی به عنوان حق الزحمه بر ندارد.

- و من کان غنیاً فلیستعفف

- و اگر سرپرست ، خود فقیر و نیازمند باشد ، در حد متعارف و معمول برای خود حقی مشخص و از مال یتیم بردارد .
 - و من كان فقيراً فليأكل بالمعروف
 ۴- مسأله ای که رعایت آن از بروز اختلافات و خصومت های بعدی جلوگیری می کند و عدم رعایت آن ، مشکلات زیادی را بعداً به وجود می آورد این است که سرپرستان بهنگام تحویل اموال یتیمان در زمان ثبوت رشد آنها ، باید آشنایان و افراد مورد اعتماد طرفین را شاهد بگیرند .
 - فإذا دفعتم إليهم أموالهم فاشهدوا عليهم و ذقوا بالله حسبياً (نساء/۶۲)

اصل ششم : سعادت افراد در گرو تلاش آنها است

در این مقوله ، بحث را از چند منظر پی می گیریم :

۱- استعداد و توان افراد چون متفاوت است ، تکلیف نیز مناسب با قدرت افراد تعیین می شود :
 (الف) لا يكلف الله ذنباً الا وسعته لئن لم يكن الله ذليلاً علينا لما كننا كالجبال ... (بقره/۲۸۶)
 خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی کند هر که هر چه خوبی کند به سود اوست و هر چه بدی کند به زیان اوست
 (ب) ... لا تكلف نفس الا وسعها ... (بقره/۲۳۲)
 (ج) والذين آمنوا و عملوا الصالحات لا تكلف الله ذنباً الا وسعته ... (اعراف/۲۲۷)
 ۲- سرنوشت و سعادت هر فرد در گرو تلاش خود اوست :
 (الف) و ان ليس للانسان الا ما سعی * و ان سعیه سوف يبرى * ثم يجزى الجزاء الاوفى (نجم/۵۲/۴۱۶)

و آدمی را جز آنچه تلاش کرده نیست * و تلاش او را به زودی به او بنمایند * آنگاه بر اساس همان تلاش ؛ جزای کامل داده شود .
 (ب) و من اراد الآخرة و سعی لها سعيراً و هو مؤمن فأولئك كان سعيهم مشكوراً (سراء/۱۷)
 و هر که (سرای) آخرت خواهد و برای آن کوشش درخور آن کند و مومن باشد ؛ چنین کسانی کوشش آنان مورد تقدیر و سپاس خواهد بود
 (ج) كل نفس بما كسبت رهينه (مدثر/۲۸۷)
 ۳- خداوند تغییر دهنده سرنوشت ملت ها نیست ، این خود مردم هستند که با اعمال آزادانه و مختارانه خود ، سرنوشتشان را تعیین و یا تغییر می دهند :

(الف) ... ان الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بانفسهم... (رعد/۱۱۳)
 (ب) ذلك بان الله لم يك متغيراً بعمه انعمها على قوم حتى يغيروا ما بانفسهم... (انفال/۵۳/۸)
 ۴- انسانها با هر توان ذاتی ، بهنگام عمل خود ، از نعمت اختیار و آزادی کامل برخوردار هستند :
 (الف) انا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً (انسان/۲/۲۷۶)
 (ب) و قل الحق من ربکم فمن شاء فليؤمن و من شاء فليکفر... (کهف/۱۸/۲۷)
 و بگو : حق از سوی پروردگارتان است ؛ هر که خواهد ایمان آورد و هر که خواهد کفر ورزد ...
 (ج) ان هذه تذکره فمن شاء اتخذ الى ربه سبیلاً (انسان/۲۷/۲۷۶)
 بی شک این یادآوری و پندی است ؛ پس هر که خواست می تواند راهی بسوی پروردگارش پیش گیرد

۵- هر کس مسئول عمل خود می باشد و گرفتاری دیگری را هرگز بر او تحمیل نمی کنند و عذاب و عتاب پس از آمدن پیامبران و آگاهی کامل و اتمام حجت ، تحقق می پذیرد :
 - من اهتدی فانما یهتدی لنفسه و من ضل فانما یضل لسلطانه
 و لاتر. و از ره و زور آخری و ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا (سراء/۱۷/۱۵)
 هر کس هدایت یافت ، فقط به سود خودش هدایت یافته و هر کس گمراه شد ، فقط به زیان خودش گمراه می شود و هیچ بردارنده گناهی بار گناه دیگری را به دوش خود بر نمی دارد ، و ما بدون اینکه پیامبری را (برای هدایت و اتمام حجت به سوی مردم) بفرستیم ، عذاب کننده (انان) نبودیم .

اصل هفتم : پاکسازی محیط از شرک و رسوم جاهلی

خداوند متعال ، رسالت پیامبر خود را در پنج اصل کلی بیان می کند : در اصل پنجم آمده است :

- و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت علیهم (اعراف/۱۵۷/۷)

این پیامبر ، مردم را از قید و بندها و رسوم جاهلی و خرافات دست و پاگیر که چون غل و زنجیر ، آنها را گرفتار کرده بود ، آزاد و رها نموده است .
 نمونه آن رسوم جاهلی را در آیات زیر می خوانید :

۱- کشتن دختران و زنده به گور کردن آنها :

(الف) و اذا بشر احدکم بالانثی ظل وجهه مسوداً و هو کفیل *
 بنواری من التوم عن سوء ما بشر به
 ایمسکه علی عرق *
 ام یدسه فی التراب ؟
 الا ساء ما یحکمون (نعل/۱۶/۵۶)

و هرگاه یکی از آنان را به آوردن دختر مژده دهند ، (رنگ و) رویش تیره شود و خشم گلویش را بفشرد * خود را از آن قوم پنهان کند از زشتی آنچه مژده اش داده اند (و با خود می اندیشد که) آیا او را با سرافکنده گی نگه دارد ؟ یا در زیر خاک پنهان کند؟! هس دارید که بد حکمی می کنند .
 (ب) ... و لا تقتلوا اولادکم من املاق نحن نرزقکم و ابائکم... (انعام/۱۵۱/۶)

... و فرزندان خود را از بیم تنگدستی نکشید ؛ که ما شما و آنان را روزی می دهیم ...

(ج) و لا تقتلوا اولادکم حسب املاق نحن نرزقکم و ابائکم... (سراء/۱۷/۳۱)

۲- بجای طواف خانه خدا ، سوت کشیدن و کف زدن :

- و ما کان صلاتهم عند البیت الا مکاء و تصدیه... (انفال/۲۵/۸)

چه عادتی سخیف تر از آنکه نماز و عبادت آنها در خانه خدا ، سوت کشیدن و کف زدن باشد .

۳- تقلید کورکورانه آنها از پدران و نیاکان خود و پیروی نکردن از منطق و استدلال :

(الف) و اذا قيل لهم اتبعوا ما امر الله فقلنا بل نسمع ما نلقی علیه آباءنا او لو کان آباؤهم لا یعلمون شیئاً و لا یهتدون (بقره/۲/۱۷۰)
 و چون به آنان (به مشرکان یا برخی یهود) گویند که از آنچه خدا نازل کرده ، پیروی کنید ، گویند : بلکه از آنچه پدران خود را بر آن یافته ایم ، پیروی می کنیم . آیا (چنین کنند) گرچه پدرانشان چیزی نمی فهمیده و راه یافته نبوده باشند؟!

ب) وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ (مائده/۱۰۲)

و چون به آنان گفته شود که به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر بیایید ، گویند : آنچه پدرانمان را بر آن یافته ایم ما را بس است ، آیا اگرچه پدرانمان چیزی ندانند و راه یافته نباشند (باز هم از آنان پیروی می کنند) ؟!

ج) وَ إِذَا قُلْعُوا فَاَحْسَهُ قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَ اللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنْ اللَّهُ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ اتَّقُوا اللَّهَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (اعراف/۲۸۷)

و چون کار زشتی کنند ، گویند پدران خود را بر آن کار یافته ایم و خداوند ما را به آن فرمان داده است ! بگو : مسلماً خداوند به کار زشت فرمان نمی دهد . آیا چیزی را بر خدا (به دروغ) می گویند که خود نمی دانید؟!

د) إِذْ قَالَ لَأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَائِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ * قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ * قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (انبیاء/۲۱-۵۳)

آنگاه که به پدر (عمو و سرپرست) و قوم خود گفت : این مجسمه ها چیست که پیوست سر بر آستانشان دارید ؟! * گفتند : پدران خود را پرستش کننده آنها یافتیم (و به سنت آنها وفادار خواهیم بود) . * گفت : راستی که شما و پدرانتان در گمراهی آشکاری بوده اید .

ه) وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ تَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ (لقمان/۲۱)

و چون به آنان گفته شود که از آنچه خدا فرو فرستاده پیروی کنید ، گویند : بلکه ما از آنچه پدرانمان را بر آن یافته ایم ، پیروی می کنیم! آیا (از آیین شیطانی پدرانمان پیروی می کنند) هرچند که شیطان آنان را به عذاب افروخته فرا خواند ؟!

و) بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّهٍ وَ إِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُهْتَدُونَ * وَ كَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ تَدْبِيرِ الْإِلَهِ قَالُوا مَن نُّعْبُدُ إِلَّا آبَاءَنَا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّهٍ وَ إِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ (زخرف/۲۳-۲۴)

(چنین نیست) بلکه گفتند : ما پدران خود را بر آیینی یافته ایم و ما هم بر پی آنان ره جوییم * و همچنین پیش از تو در هیچ شهری بیم کننده ای نفرستادیم جز آنکه مردمان مرفه و مغرور آن گفتند : ما پدرانمان را بر آیینی یافته ایم و ما هم بر پی آنان رواییم .

۴ - مردم جاهلی ، زنان خود را با (ظهار) بر خود حرام می دانستند ، قرآن آنرا رد کرده است .

۵ - مردم جاهلی ، پسر خوانده را پسر خود می دانستند ، قرآن می فرماید : پسر خوانده ، پسر نیست - ... وَ مَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمْ الَّتِي تَتَّخِذُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَ مَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكَ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَهِكُمْ وَ اللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ ... (احزاب/۴۳)

- ... و همسرانتان را که همواره با آنان (ظهار) می کنید (یعنی بر پایه فرهنگ جاهلی ، با خواندن صیغه خاص آنان را به منزله مادرانتان به شمار آورده بر خود حرام می نمائید) مادران شما نگردانیده و پسر خواندگانتان را پسران (واقعی) شما ننموده است . این سخن باطل و بی پایه شمامست که به زبان شما جاری است و خدا همواره حق را می گوید

۶ - مردم جاهلی ، زن پسرخوانده را از محارم می دانستند و پس از مطلقه شدن ، ازدواج با او را ممنوع دانسته ، قرآن صریحاً می فرماید : اینچنین نیست :

- ... فَلَمَّا قُضِيَ زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا وَرُوِيَ جَاكِبًا لَكُمْ لَا تَنْكِحُوا عَلَيَّ الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ تَأْتُوا بِأَمْوَالِهِمْ إِذَا قُضِيَ مِنْهُنَّ وَطَرًا وَ كَانَ أَمْرًا لِلَّهِ مَعْفُولًا ... (احزاب/۳۳)

- ... پس هنگامی که (زید) نیاز خود را از همسرش به پایان برد (و او را طلاق داد) وی را به همسری تو درآوردیم تا برای مومنان نسبت به ازدواج با همسران پسرخوانده هایشان زمانی که نیازشان را از آنان به پایان برده باشند ، سختی و حرجی نباشد و همواره فرمان خدا شدنی است .

۷ - مردم جاهلی ، خوردن گوشت بعضی از حیوانات را بر خود ممنوع کرده بودند و اسلام آنها را حلال اعلام کرده است :

- مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَ لَا سَائِبَةٍ وَ لَا وَصِيلَةٍ وَ لَا حَامٍ بَلْ كَانَتُنَّ لِيَتِيمِينَ تَنْزِيلًا عَلَىٰ اللَّهِ الْكَذِبِ وَ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (مائده/۱۰۲)

- خدا هیچ حیوانی را بعنوان بحیره (ماده شتری که پنجمین حمل مادر خود باشد) و سائبه (شتری که ده ماده زاینده) و وصیله (گوسفند ماده ای که همزاد با بره نر است) و حام (شتر نری که ده شتر از او پدید آمده) مقدس و ممنوع از تصرف قرار نداده است ولی کسانی که کفر ورزیده اند (این امور را) بر خدا دروغ می بندند .

۸ - عرب ، زن را مانند سایر اموال متوفی ، به ارث می گرفت . اگر خود می خواست از او بعنوان همسر استفاده می کرد .

و الاّ او را به همسری دیگران می داد و مهریه اش را خود تصرف می کرد . و یا اینکه آن زن را زندانی می کرد و بر او سخت می گرفت تا آنچه از شوهرش به او رسیده ، به او بپردازد .

و برخی اگر زنی را به زناشویی می گرفتند پس از بهره گیری از او ، عرصه را بر او سخت کرده تا ثروتش را به شوهرش بدهد و یا لااقل مهریه اش را به او ببخشد .

قرآن تمامی این راههای غیرانسانی و غیرعاطفی را تعطیل اعلام می کند و می فرماید :

- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجْعَلْ لَكُمْ آيَاتِنَا كَرِهًا لَّكُمْ كَرِهْتُمُوهَا وَ تَتَّبِعُوا إِلَهُكُمُ الْمُشْرِكِينَ الْمُنَافِقِينَ الَّذِينَ يَقُولُ إِنَّا نَسَبْنَا نُسَبًا مَّا جَعَلَ اللَّهُ فِيهَا خَيْرًا كَثِيرًا (نساء/۱۹۴)

- ای اهل ایمان ! برای شما ارث بردن از زنان در حالی که خوشایند شما نیستند (و فقط به طمع به دست آوردن اموالشان پس از مرگشان با آنان زندگی می کنید) حلال نیست . و آنان را در تنگنا و فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را (به عنوان مهریه) به آنان داده اید پس بگیرید ، مگر آنکه کار زشت آشکاری مرتکب شوند . و با آنان به صورتی شایسته و پسندیده رفتار کنید . و اگر (به علتی) از آنان نفرت داشتید (باز هم با آنان به صورتی شایسته و پسندیده رفتار کنید) چه بسا چیزی خوشایند شما نیست و خدا در آن خیر فراوانی قرار می دهد .

۹ - اگر زنی طلاق می گرفت و می خواست با شوهر اولش مجدداً ازدواج نماید ، میل و رغبت زن دخالتی نداشت و مردان فامیل و قبیله مانع می شدند . قرآن صریحاً اعلام فرموده :

- وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنِ أَجْلَهُنَّ فَلَا تَعْضِلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَائِعُوا بِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ يَتْلُوهُنَّ الْأَخْرَافَ لِكُمْ لِكُمْ وَ اسْطَبْرُوا لَهُ يَتْلُوهُنَّ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (بقره/۲۳۲)

- و زمانی که زنان را طلاق دادید، و به پایان عده خود رسیدند، آنان را از ازدواج با شوهران سابق خود، در صورتی که میان خودشان به روشی شایسته و متعارف توافق کنند، باز مدارید. با این (حکم) کسانی از شما که به خدا و روز قیامت ایمان دارند، پند داده می شوند. این برای شما سودمندتر و پاکیزه تر است و خدا (مصالح شما را در همه امور) می داند و شما نمی دانید.

۱۰- مشرکین، ملائکه را دختران خدا می دانستند. قرآن این ایده خرافی را مورد نکوهش قرار داده است:

- فَاسْتَفْتِهِمَ الرِّبَّكَ الْبَنَاتِ وَ لَهُمُ الْبَنُونَ * أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَ هُمْ شَاهِدُونَ * أَلَا إِنَّهُمْ مِنْ آفِكِهِمْ لَيَقُولُونَ * وَ تَدَّ إِلَهُهُمُ لَكَادِبُونَ * اصطفى البنات على البنين (مفاتیح ۱۳۷/۱۳۶ تا ۱۵۳)

- (مشرکان سبک مغز می گویند فرشتگان، دختران خدایند) پس از آنان بپرس که آیا دختران برای پروردگار تو هستند و پسران برای ایشان؟! * یا اینکه ما فرشتگان را دختر آفریدیم و آنان شاهد بودند؟! * آگاه باش! که آنان از بافته های دورغ خود می گویند * که خدا فرزند آورده! و بی تردید آنان دروغگویند * آیا دختران را بر پسران ترجیح داده است؟

۱۱- در پایان، مناسب می بینم تمام کارهای ناشایسته ای را که خداوند یکایک برشمرده و مردم را از آنها برحذر داشته است، بعنوان حسن ختام، ذیلاً تقدیم گردد:

- قُلْ تَعَالُوا أَنَا مَ حَرَمٌ عَلَيْكُمْ إِلَّا نَسْرَكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ أُمَّلَاقٍ نَحْنُ نُرْزِقُكُمْ وَ آبَاؤُهُمْ وَ لَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّأَكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ * وَ لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تَكْتِفِ نَفْسًا إِلَّا أَوْسَعَهَا وَ إِذَا قُنْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَ بَعِّهْدُ اللَّهُ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّأَكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (انعام ۱۵۱/۶ و ۱۵۲)

- بگو: بیایید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده بخوانم: اینکه چیزی را شریک او قرار مدهید، و به پدر و مادر نیکی کنید، و فرزندانتان را از (ترس) تنگدستی نکشید، ما شما و آنان را روزی می دهیم،

و به کارهای زشت چه آشکار و چه پنهانش نزدیک نشوید، و انسانی را که خدا محترم شمرده جز به حق نکشید، خدا این (گونه) به شما سفارش کرده تا بیندیشید * و به مال یتیم جز به روشی که نیکوتر است، نزدیک نشوید تا به حد بلوغ (بدنی و عقلی) خود برسد، و پیمانہ و ترازو را بر اساس عدالت و انصاف کامل و تمام بدهید، هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی کنیم، و هنگامی که سخن گویند، عدالت ورزید هرچند درباره خویشان باشد، و به پیمان خدا وفا کنید، خدا این (گونه) به شما سفارش کرده تا پند گیرید.

■ والسلام